مواجهه ائمه با شیعیان پیرامون علم امام

شاگرد۲: در فضای علم امام اگر ما جلوی امام بنشینیم و حضرت بفرمایند که بخور، ما نمی گوییم روزه هستم لذا میخوریم. در این فضا حضرت ابتدا میفرمایند بیا بخور و در نهایت می گویند افطار نکن، این را چطور جمع کنیم؟

استاد: ببینید رفتار معصومین علیهم‌السلام به‌گونه‌ای بوده که خودشان به شیعه یاد می دادند. ما ائمه ً طبق آن علم باطنی آنها رفتار نمی‌کنیم. زیاد بوده. مثال ً گفته‌اند «یعنی چه؟». یعنی طوری با شیعه رفتار می‌کردند که معاشرت شیعه با معصومین طبق اعتقاد علم آنها به کل شیء نباشد.

شاگرد: وقتی امام باشد، ما چطور رفتار کنیم؟ ما باید طبق علم امام رفتار کنیم یا به آن شکل؟

استاد: افراد فرق می‌کنند. مثل همانی که حضرت فرمودند «من مثل زریح؟». سؤال کرد و حضرت فرمودند یعنی «اخذ الشارب و...».[1] یعنی اگر حال خود شخص اگر حالی است که الآن مراعات مقامات بالاتر را می‌کند، بلد هستند که با او چطور رفتار کنند. اما نسبت به بدنه شیعه برعکس است. یعنی کار می‌کردند که اینطور نباشد. یعنی بناء داشتند تا ذهن عموم شیعه، سوق پیدا نکند که وقتی محضر حضرت هستند آنها به ذهنشان بیاید. شبیه تشرفاتی که الآن هست. در صد تا نود تا می‌گویند وقتی به محضر حضرت رسیدیم نمی‌فهمیدیم. یعنی از ناحیه حضرت یک تصرفی می‌شود و تا آخر کار اصال ً ذهنش سراغ این نمی‌رود که شاید من الآن محضر حجت خدا هستم. بعد از اینکه گذشت آن وقت است که می‌فهمد و گریه و زاری می‌کند.

شاگرد: مقام میزبان بودن حضرت و میهمان بودن راوی، در تفسیر «ال» دوم تأثیری ندارد؟ چیزی که به ذهن من آمد این بود که حضرت ابتدا حکم را بیان کردند و بعد آن شخص می‌گوید حال که به آن شکل احتیاط ندارد، من الآن افطار کنم؟ لذا حضرت به او می‌گویند حال که تو این قدر اصرار داری، نمی‌خواهد مراعات من را بکنی.

استاد: این احتمالات در ذهن من هم بود. فقط چیزی که این‌ها را ضعیف می‌کند فهم ابن خالد از فرمایش امام است. چرا؟ چون وقتی پرسید «افطر الآن؟» و حضرت فرمودند «ال»، او گفت «و کذلک جمیع النوافل؟». یعنی ذهن او سراغ میهمانی نرفت. بلکه تنها سراغ خیثیت زوال و قبل از زوال رفت. می‌گوییم فهم او طوری بود که امام هم در نکردند. لذا این فهم او بقیه احتمالات را دور می برد.

والحمد لله رب العالمین

[1] من لا يحضره الفقيه، ج2، ص: 485 و 486: وَ رُوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ أَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَدْ صَرَّ بِرِ الشَّاةِ أُذُنُ الْقَابِلَةِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا عَنَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِقَوْلِهِ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ قَالَ أَكَّ الشَّعْرِ وَ قَصُّ الْأَظْفَارِ وَ أَشْبَاهُ ذَلِكَ قُلْتُ فَإِنَّهُ عَنَى بِهِ الْمُحْرِمَ حَيّاً أَوْ مَيِّتاً قَالَ كُلُّ الْمَنَاسِكِ قَدْ قَضَى وَ لَكِنَّهُ عَنَى بِهِ الْمُحْرِمَ حَيّاً وَ مَيِّتاً يَحْتَمِلُ ذَلِكَ.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 13:31:23 ظهر ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 13:32:17 ظهر ... .